

رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره 179)

16/10/1396 الی 08/10/1396

در یکصد و هفتاد و نهمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز در قالب سری گزارشات «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!»، بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در دومین هفته از دی ماه 1396 را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

دومین هفته از دی ماه 1396 با همه آن چه که به همراه داشت سپری شد؛ هفته‌ای که رفتارهای غیر قانونی و خائنانه یک عده اقلیت انگشت شمار در برخی از شهرهای کشورمان، روزنه امیدی برای آغاز دوباره فتنه در ایران را در قلب دشمنان این سرزمین ایجاد کرد؛ هر چند خیلی زود این روزنه توسط خود مردم مسدود گردید؛ اما روزها شاهد بهره برداری‌های ابزارهای رسانه‌ای وابسته به دولت‌های غربی از این موضوع بوده‌ایم که رادیو فردا نیز یکی از همین ابزارهاست.

در همین راستا، رادیو دیروز تلاش کرده است تا با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!» بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه آمریکایی را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و واقعیت‌های تحریف یا پنهان شده را در اختیار مخاطبین خود قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و هفتاد و نهمین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول دومین هفته از دی ماه سال 1396 (08 الی 16 دی ماه 1396) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و هفتاد و نهمین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی رفتارها و مواضع مختلف رادیو فردا در طول این هفته در خصوص اغتشاش‌ها و آشوب‌های خیابانی در برخی شهرهای کشورمان را می‌توانید مشاهده نمایید.

تفاوت معنایی آشوب و اعتراض در ایران و آمریکا!

یکی از موضوعاتی که در این هفته و در خصوص اتفاقات صورت گرفته در کشورمان و البته واکنش‌های مقامات آمریکایی و رسانه تحت امرشان به این اتفاقات جالب توجه بود، تفاوت‌هایی است که از نظر آن‌ها میان اعتراض و آشوب در ایران و ایالات متحده وجود دارد.

رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا در این هفته بارها و بارها به بازتاب جهت دار تحولات داخلی ایران و اعلام و تأکید بر حمایت‌های آمریکا از آشوب‌گران در کشورمان پرداخته است و این در شرایطی است که آشوب‌گران در ایران مورد حمایت آمریکا قرار می‌گیرند و مردم خود ایالات متحده به دلیل اعتراض توسط پلیس سرکوب و کشته می‌شوند.

رادیو فردا در یکی از این گزارش‌ها، این گونه می‌نویسد: «کاخ سفید آمریکا در بیانیه‌ای در ساعات پایانی روز یکشنبه به وقت آمریکا، بار دیگر حمایت خود را از اعتراضات مسالمت‌آمیز در ایران اعلام کرد. در این بیانیه آمده است: ما از حق مردم ایران برای آن‌که به صورت مسالمت‌آمیز اعتراض خود را نشان دهند، حمایت می‌کنیم. سزاوار است که صدای آن‌ها شنیده شود. سارا

هاکی سندرز، سخنگوی کاخ سفید، گفته است: ما همه طرف‌ها را تشویق می‌کنیم تا از حق بنیادین ابراز عقیده به‌شکل مسالمت‌آمیز، دفاع کرده و از هر اقدامی که به سانسور بیانجامد، خودداری کنند. این اظهارات در حالی بیان شده که مقام‌های ایران دسترسی شهروندان به شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان تلگرام و اینستاگرام را مسدود کرده‌اند. با این حال سازمان فرادولتی گزارشگران بدون مرز، محدودیت‌ها در دسترسی مردم به فضای مجازی و نرم‌افزارهای کاربردی چون تلگرام و اینستاگرام را محکوم کرده و می‌گوید "این اقدام، سرکوب آزادی اطلاع‌رسانی و حق دانستن مردم است". طی روزهای گذشته، رئیس‌جمهوری و وزارت خارجه ایالات متحده و نیز شماری از قانون‌گذاران ایالات متحده از اعتراضات مسالمت‌آمیز در ایران حمایت کرده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، روز یکشنبه در پیام تازه‌ای در توئیتر با اشاره به "اعتراض‌های گسترده در ایران" نوشت: "مردم بالاخره دارند متوجه می‌شوند که چگونه پول و ثروت‌شان دزدیده و خرج تروریسم می‌شود. به نظر می‌رسد دیگر چنین نخواهد ماند." نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد نیز در آستانه سال نوی میلادی بیانیه‌ای صادر کرده و گفته است "در آغاز سال نو (ی میلادی)، امید و دعای ما بدرقه راه میلیون‌ها نفر از مردمی است که از حکومت‌های سرکوبگر در کره شمالی، ونزولا و به خصوص ایران، شدیداً در رنج هستند. [ایران] جایی که مردم سرکوب شده حالا صدایشان را باز یافته‌اند. حکومت ایران در بوته آزمایش مردم خود قرار گرفته است."»

عده‌ای آشوب گر که اقلیتی بیش نیستند، مردم خطاب می‌شوند! این آشوب گران اقلیت مردم نما در ایران مورد حمایت گسترده افرادی قرار می‌گیرند که دستشام تا شانہ در خون مردم بی گناه سراسر جهان آلوده است.

کاخ سفید چشمانش را بر روی چه چیزی می‌بندد؟! آیا مردم واقعی ایران هم همانند کاخ سفید حقایق را نمی‌بینند؟!

آیا کسی که شایسته نام مردم باشد، پرچم کشورش را آتش می‌زند؟! آیا مردم هستند که تنها دارایی هم وطنانشان را که از آن درآمد کسب می‌کنند را به آتش می‌کشند؟! از آتش زدن اتوبوس یک راننده یا مغازه یک کاسب چه چیزی عاید مردم می‌شود؟!

ازین که با گلوله مستقیم، نوجوان 13 ساله را به قتل برسانند یا پدر و کودکی را زنده زنده در آتش خودرویشان بسوزانند، مردم چه سودی می‌برند؟! آیا عامل این‌ها مردم ایران هستند؟!

چرا رفتار یک اقلیت به طور گسترده توسط دشمنان قسم خورده یک ملت، به همه مردم نسبت داده می‌شود؟!

پاسخ این سؤالات کاملاً برای ایرانیان واقعی شفاف است و حتی نیازی به بازگویی مجدد ندارد؛ آن‌ها نه دلشان برای ایران می‌سوزد و نه دلسوزی حقیقی برای مردم این سرزمین دارند؛ آن‌ها تنها دشمنان قسم خورده اسلام و جمهوری اسلامی نیستند، بلکه با سرزمین ایران خصومتی قدیمی دارند؛ مرور برگ‌های تاریخ نشان از همین دشمنی دارند که تا دستشان رسیده به چپاول و غارت این ملت و کشور پرداخته‌اند.

اقلیتی وطن‌فروشی که این روزها، خشونت را در برخی نقاط ایران به خیابان‌ها کشانده‌اند، مردم ایران نیستند، بلکه عاملان عربی – اسرائیلی هستند که تلاش می‌کنند تا با وجود شکست‌های پیاپی سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه و به ویژه در مقابله با ایران اسلامی، فرصتی هرچند اندک برای نفوذ آن‌ها به این سرزمین ایجاد کنند؛ غافل از این که مردم واقعی این سرزمین با ایستادگی و بصیرت بالای خود، هرگز چنین اجازه‌ای به بدخواهان این کشور نمی‌دهند.

وزارت خارجه ایران، پیش‌تر به گفته‌های رئیس‌جمهوری آمریکا واکنش نشان داده و آن را «ریاکارانه و مداخله‌جویانه» توصیف کرده بود. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، نیز در نخستین واکنش خود به اعتراضات روزهای اخیر، بدون نام بردن از رئیس‌جمهوری ایالات متحده، گفته بود او «چند ماه پیش ملت ایران را تروریست نامید» و «حق ندارد برای مردم ایران دلسوزی کند».

اما جالب این جاست که این دایه‌های دلسوزتر از مادر برای مردم ایران، مردم خودشان را که به دلیل تبعیض، فشار اقتصادی، سیاسی و ... دست به تجمعاتی گسترده می‌زنند را به قدری با حضور نظامی سرکوب می‌کنند که در برهه‌های مختلف زمانی و در تصاویر منتشر شده از شهرهای مختلف ایالات متحده، بیشتر از یک شهر، به میدانی جنگی شبیه است.

بگذریم از این که آثار خون میلیون‌ها انسان در ایران، افغانستان، عراق، سوریه، یمن، فلسطین، لیبی، پاکستان، ویتنام و ... بر روی دست‌های مقامات آمریکایی تا ابد باقی است و چنین افرادی صلاحیت دلسوزی برای مردم ایران را نداشته و نخواهند داشت.

جهانی که واقعیت‌ها را نمی‌بیند!

یکی دیگر از موضوعاتی که در راستای آشوب‌های اخیر در ایران قابل بررسی است و رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا نیز بارها در این هفته بر روی آن مانور داده است، حمایت‌های کورکورانه بین‌المللی از اقلیت آشوب‌گری است که امنیت عمومی در برخی شهرهای کشورمان را خدشه دار کردند؛ ابراز نگرانی‌هایی که با توجه به واقعیت‌های تلخی که در جهان با سکوت این مجامع همراه می‌شود، نشان می‌دهد این نهادها برای دیدن واقعیت‌ها با عینکی قوی نیازمند هستند.

رادیوی فارسی زبان وابسته به کاخ سفید در یکی از گزارش‌های خود در خصوص نگرانی‌های بین‌المللی برای اغتشاش‌گران در ایران، می‌آورد: «چهار کارشناس مستقل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با اشاره به کشته شدن بیش از ۲۰ تن در جریان اعتراض‌های سراسری ایران، روش حکومت ایران در برخورد با معترضان را نگران‌کننده توصیف کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل نیز از "سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز" در ایران انتقاد کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیندپرس، کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه مشترکی که روز جمعه ۱۵ دی، در ژنو سوئیس منتشر شد، از مقام‌های ایرانی خواسته‌اند تا در مواجهه با معترضان از خود "خویش‌نماری" نشان دهند. آن‌ها تأکید کرده‌اند که دستورالعمل حکومت ایران به سپاه پاسداران برای برخورد سنگین با معترضان و نیز تهدیدهای دستگاه قضایی به مجازات سخت آنها "غیر قابل قبول" است. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل همچنین گزارش‌ها در مورد مسدود کردن شبکه‌های اجتماعی از قبیل اینستاگرام و شبکه‌های پیام‌رسان از قبیل تلگرام را بسیار نگران‌کننده توصیف کرده و تأکید کرده‌اند که مسدود کردن ارتباطات به مثابه "نقض جدی حقوق بنیادین" شهروندان ایرانی است. در همین حال، سازمان عفو بین‌الملل از مقام‌های ایران خواست تا برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز را تضمین کنند و گفت که بر اساس گزارش‌ها، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به طور غیرقانونی از سلاح گرم علیه تظاهرکنندگان غیرمسلح استفاده کرده و صدها تن را بازداشت و تحت شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر قرار داده‌اند. عفو بین‌الملل در این ارتباط از "سرکوب تظاهرات" که در سراسر ایران گسترده شده است، ابراز نگرانی کرد. این سازمان حقوق بشری با استناد به اظهارات مقام‌های رسمی که تعداد کشته‌شدگان در جریان تجمع‌ها و تظاهرات روزهای اخیر را دستکم ۲۲ تن، از جمله دو مأمور امنیتی، اعلام کرده‌اند گفت که هزاران تن از ایرانیان در شهرهای مختلف به فقر، فساد، سرکوب سیاسی و اقتدارگرایی حکومت اعتراض کرده‌اند.»

اما این اتفاقات نشان می‌دهد که ظاهراً جهان دچار ضعف در بینایی شده است و به عینکی ته استکانی برای دیدن واقعیت‌های این دنیا نیاز دارد.

چشمان نابینای جهان حتی همه آن چه این روزها در ایران رخ می‌دهد را هم نمی‌بیند؛ آن‌ها در ایران فقط اقلیتی انگشت شمار را می‌بینند که با زیرپا گذاشتن قانون، امنیت یک کشور و ملت را خدشه دار کرده‌اند؛ اقلیتی که خشونت را در دستور کار خود قرار داده‌اند و ادعای اعتراض مسالمت‌آمیز برای آن‌ها می‌تواند خنده‌دارترین لطیفه قرن باشد.

آیا در سایر کشورهای دنیا اگر عده‌ای به خیابان‌ها هجوم بیاورند، بانک‌ها را آتش بزنند، اموال عمومی را تخریب کنند، به خودرو و محل کسب و کار مردم آسیب بزنند، مأموران انتظامی کشور را مورد حمله مسلحانه قرار دهند، به مراکز پلیس حمله کنند، پرچم آن کشور را آتش بزنند، مردم و حتی کودکان را با گلوله مستقیم هدف قرار دهند و ...، نهادهای امنیتی‌شان در کنار خیابان ایستاده و فقط نظاره می‌کنند؟! و

جهان کور برخورد پلیس آمریکا با معترضین به تبعیض نژادی در شهرهای مختلف این کشور را نمی‌بیند و شاهد قتل سیاه پوستان آمریکایی به دست پلیس این کشور نیست، اما برخورد با آشوب گران در ایران را به وضوح می‌بیند و این گونه ابراز نگرانی می‌کند!

این جهان به قدری دچار ضعف بینایی است که نمی‌بیند همین روزها در یمن مردم بی دفاع جانشان را از دست می‌دهند و دلیلش سیاست‌های غربی - عربی وجود دارد، اما دفاع از امنیت مردم ایران آن‌ها را نگران می‌کند!

علی علیزاده، کارشناس بی‌بی‌سی در توئیتر خود علیرغم ماهیت ضد انقلابی‌اش، به بخشی از این واقعیت‌ها واکنش نشان داده و با انتقاد از برخوردهای دوگانه به مسائل این روزهای ایران، تأکید کرده است: "اگر یک کانال تلگرام آموزش ساخت بمب در خیابان‌های مسکو و یا واشنگتن می‌داد، آیا پاول دورف، مدیر تلگرام، جرات می‌کرد در بستنش یک لحظه تردید کند؟"

یعنی اگر بن لادن بعد از یازده سپتامبر می‌گفت دیگر رئیس القاعده نیست بلکه رییس مثلاً الفایده است نباید دیگر دستگیر می‌شد؟"

آمریکا؛ از اهانت به مردم ایران تا احترام به آشوب گران!

یکی دیگر از اتفاقات جالبی که در راستای آشوب‌های صورت گرفته در برخی از شهرهای کشورمان و در راستای واکنش‌های رادیو فردا به این موضوعات با آن مواجه بودیم، تغییر موضع بچگانه و فریب کارانه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و دیگر مقامات کاخ سفید در قبال مردم ایران بود.

ما در این هفته شاهد بودیم که مقامات آمریکایی، برخلاف گذشته که بارها به ملت ایران اهانت کرده بودند، از احترام به ایرانیان سخن می‌گفتند و رادیو فردا نیز با افتخار سخنان عوام فریبانه مقامات آمریکایی را بازتاب می‌داد.

این رسانه ضد ایرانی وابسته به کاخ سفید در گزارشی که این هفته منتشر کرده است، ضمن بازتاب اظهارات یک مقام آمریکایی در خصوص تحولات داخلی ایران، با تأکید بر این ادعا که «ایالات متحده آمریکا برای مردم ایران احترام ویژه‌ای قائل است»، می‌نویسد: «ژنرال مک مستر، مشاور امنیت ملی کاخ سفید در گفتگو با گرتا ون ساسترن همکار صدای آمریکا گفت مهم است که رژیم ایران از دستیابی به منابعی که برای ادامه جنایت خود علیه مردم ایران دارد منع شود و ضروری است صداهای قوی در سراسر جهان به حمایت از مردم ایران برخیزند».

اما کدام مردم مورد حمایت رادیو فردا و آمریکا قرار دارند؟!

آیا فقط قاتلین، آشوب گران، تروریست‌ها، جاسوس‌ها، مجرمین و ... مردم ایران محسوب می‌شوند؟!

مگر تا همین چند روز پیش "دونالد ترامپ" رئیس جمهور آمریکا، مردم ایران را خشونت طلب و وحشی خطاب قرار نداده بود؟! مگر به دلیل همین خشونت طلبی و وحشی گری و تروریست بودن، مانع ورود مسافران و مهاجرین ایرانی به خاک آمریکا نشده بودند؟!

مگر ترامپ و کاخ سفید در بیانیه چند روز قبل خود مردم ایران را گرسنه و گدا توصیف نکرده بودند؟!

یا معنای احترام با آن چیزی که در کتاب‌ها نوشته است و ما باور داشته‌ایم، متفاوت است و یا رادیو فردا و اربابانش احترام را نمی‌فهمند و شاید هم از مردم ایران معنای متفاوتی در ذهن دارند.

مقامات و سیاست‌مداران آمریکایی مردم ایران را بازیچه خود فرض کرده‌اند که هر زمان دلشان بخواهد با بدترین اهانت‌ها ملت ایران را خطاب قرار می‌دهند و هر گاه احساس نیاز کنند از دلسوزی برای ایرانیان سخت می‌گویند.

مردم ایران به خوب صفوف خود را از تروریست‌ها و اغتشاش‌گرانی که آمریکا آن‌ها را مردم خطاب می‌کند، جدا کرده‌اند و نه الان و نه هرگز نیازی به دلسوزی و حمایت‌های دولتی که به بهانه‌های مختلف حتی مانع ورود دارو به کشورمان شده و می‌شود ندارند.

فروش هواپیماهای مسافربری به ایران چرا با دستور کاخ سفید و کنگره آمریکا متوقف می‌شود وقتی آن‌ها حامی مردم کشورمان هستند؟!

آیا تحریم‌هایی که کاخ سفید به بهانه حمایت از مردم علیه کشورمان اعمال می‌کند، آیا سنگ اندازی هایش در مسیر اجرای برجام هسته‌ای و ... پیامدهای منفی‌اش به غیر مردم این کشور به کسی ضرر می‌رساند؟!

آمریکا از طرفی پول و دارایی این ملت را به بهانه‌های مختلف مورد دستبرد خود قرار می‌دهد و بعد با کمال وقاحت ادای دایه دلسوزتر از مادر را در می‌آورد.

آیا اگر همین آشوب و اغتشاش در خاک آمریکا رخ می‌داد، دولت آمریکا به جای سرکوب آن‌ها توسط پلیس ضد شورش، در کنار مردمش می‌ایستاد؟! مگر در جریان اعتراضات ضد نژادپرستی مردم آمریکا در چند وقت اخیر، با سرکوب شدید پلیس آمریکا مواجه نبودند؟! آن زمان دونالد ترامپ و دولتش کجای موضوع قرار داشتند؟!

حمایت از منافقین با چاشنی دفاع از آشوب در ایران!

رادیو فردا در این هفته از دوستان قدیمی خود در مقابله با جمهوری اسلامی ایران نیز غافل نمانده بود و با حمایت‌های خود از منافقین تلاش کرد تا مقابله با این تروریست‌ها را به آشوب‌های داخلی کشورمان ارتباط دهد و با این ادعا از طرفی اعضای مجاهدین خلق را جزئی از مردم ایران معرفی کند و از طرفی مقابله با آن‌ها را به دلیل حمایت از اعتراض مسالمت آمیز مردم ایران حلوه دهد.

این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در این هفته و در پی مقابله به موقع نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران با عاملین گروهک تروریستی منافقین در بخش‌های مرزی کشورمان، از این موضوع در جهت اهداف ضد ایرانی خود بهره برداری کرده و ضمن این که سعی کرده است تا آن را با اعتراضات اخیر برخی از شهرهای کشورمان مرتبط نشان دهد و با پرداختن به شهدای نیروهای گمنام امام زمان (عج) در مقابله با تروریست‌ها، حمایت خود از منافقین را به این دوستان خود اعلام می‌کند.

رادیو فردا در گزارش خود می‌نویسد: «وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مدعی شد که "یکی از هسته‌های" گروه سازمان مجاهدین خلق را در بروجرد در استان لرستان "منهدم" کرده و چهار نفر از اعضای این گروه را دستگیر و یک نفر را زخمی

کرده است. به گزارش خیرگزاری دولتی ایرنا، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز جمعه ۱۵ دی، اعلام کرد که نیروهای این وزارتخانه، "یکی از هسته‌های" گروه به گفته این وزارتخانه "تروریستی منافقین" را "شناسایی و متلاشی" کرده‌اند. این وزارتخانه مدعی شده که افراد بازداشت شده "در روزهای اخیر اقدامات خرابکارانه زیادی را در لرستان به خصوص بروجرد انجام داده بودند." شورای ملی مقاومت ایران، از جمله گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی است که از اعتراض‌ها در ایران حمایت کرده‌است. مریم رجوی، از رهبران ارشد سازمان مجاهدین خلق، گفته است "تنها راه خلاصی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی سرنگونی رژیم آخوندی است". اعتراض‌های سراسری در ایران که از روز پنجشنبه هفته گذشته از مشهد، نیشابور و کاشمر آغاز شد و به سرعت به شهرهای دیگر کشیده شد، گسترده‌ترین ناآرامی در ایران ظرف هشت سال گذشته است. در حالی که به گفته این وزارتخانه، یکی از اعضای این تیم کشته و نیز سه تن از نیروهای امنیتی ایران در این درگیری کشته شده‌اند، حزب دمکرات کردستان ایران (حدکا) از کشته شدن شش تن از نیروهای سپاه پاسداران در این درگیری خبر داده است.»

این در حالیست که واقعیت در ایران تفاوتی آشکار با آن چیزی دارد که رادیو فردا بیان می‌کند.

واقعیت چهره منافقین در ایران برای همه مردم مشخص است و کمتر ایرانی وجود دارد که نفرتی قلبی و عمیق از این گروه تروریستی و اعضایش نداشته باشد.

خیانت بدترین نوع جنایت در جهان انسانی است؛ یک خائن در هیچ جامعه‌ای مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد؛ منافقین جزو این دسته افراد هستند که خیانتشان با ریخته شدن خون هزاران بی گناه همراه بوده است.

آنان که در خیابان‌های برخی شهرهای کشورمان، پرچم ایران که ناموس هر ایرانی بوده و هست را آتش می‌زند، فردی که دارایی‌های مردمی و عمومی را به آتش می‌کشد، آن کسی که به راحتی آب خوردن، سر و قلب نوجوان سیزده ساله هموطنش را هدف گلوله می‌گیرد، جزو همین گروه از انسان‌های منفور عالم هستند.

مردم ایران با بصیرتی بی‌بدیل، همانند سال‌های گذشته که نشان دادند در جای خود به درستی راه را از بی‌راهه تشخیص می‌دهند و مسیرشان را از فاسدان خائن جدا می‌کنند، این بار هم خیلی زود واقعیت را دیدند و با درک رفتارهای خائنانه این افراد، با حضوری و جمعیتی پرشور در حمایت از وطن و نظام خود، آتش فتنه این منافقین را در نطفه خفه کردند.

اما این قابل پیشبینی بود که منافقین و عاملین دشمنان ایران اسلامی با این شکستی که از مردم دریافت کرده‌اند، به شکل‌هایی دیگر خودنمایی کرده و عقده‌های خود را باز کنند که توطئه‌های تروریستی یکی از این راه‌هاست؛ اما دیدیم که این رفتارهای ضد ایرانی نیز به موقع و خیلی زودتر از آن چه منافقین تصور می‌کردند با آگاهی و توانایی بالایی سربازان گم نام امام زمان (عج)، شناسایی و خنثی گردید.

امنیت امروز ایران اسلامی در دنیای پر آشوب اطراف و همزمان با هجوم همه جانبه دشمنان از راه‌های مختلف، دلیل موفقیت و پیروزی است که نه منافق و نه استکبار و نه صهیونیست و تروریست، نتوانسته و نمی‌توانند آن را خدشه دار سازند.

دراویش گنابادی؛ بهانه جدید رادیو فردا برای ریختن نفت در آتش آشوب

آشوب‌های این چند روز اخیر در برخی شهرهای کشورمان که عده‌ای اوباش و اغتشاش‌گر به راه انداختند، فرصتی شد تا رادیو فردا با دوستان خائن خود در داخل ایران هم تجدید پیمان کند؛ یکی از این دوستان رادیو فردا در ایران، "دراویش گنابادی" هستند که همواره با خیانت‌ها و رفتارهای ضد قانونی خود، بهانه و فضای لازم برای فعالیت‌های این رسانه ضد ایرانی را فراهم آورده‌اند.

در لابلای آشوب‌های خیابانی اوباش غرب زده در برخی شهرهای کشورمان، بازداشت چند خائن از این فرقه بهانه‌ای شد تا رادیوی دولتی آمریکا در کنار حمایت‌های بی دریغ خود از آشوب‌گران، این گروه از خائنین را نیز از خود راضی نگاه دارد.

رادیو فردا در گزارشی با این موضوع نوشته است: «چهار تن از درویش گنابادی که هنگام عیادت یکی از مدیران وبسایت "مجنوبان نور" در بیمارستان دی بازداشت شدند، اعتصاب غذا کرده‌اند. وبسایت مجنوبان نور، که اخبار مربوط به درویش گنابادی را منتشر می‌کند، با اعلام این خبر، نام این بازداشت‌شدگان را کسری نوری، محمد شریفی‌مقدم، محمدرضا درویشی و فائزه عبدی‌پور اعلام کرده است. بر اساس این گزارش، آن‌ها برای عیادت از حمیدرضا مرادی، از مدیران این وبسایت، به بیمارستان دی رفته بودند که "مأموران امنیتی به شکلی خشونت‌آمیز" آن‌ها را بازداشت کردند. این گزارش حاکی است که بازداشت این درویش گنابادی، "در ساعات پایانی شب... در طبقه همکف و محوطه بیمارستان دی، با شلیک تیر هوایی و با استفاده از شوکر و اعمال خشونت همراه بوده است". آن‌طور که وبسایت مجنوبان نور نوشته است، این چهار تن که "در همان ابتدای بازداشت، اعتصاب غذای خود را اعلام کردند"، به "بند ۲۰۹ بازداشتگاه وزارت اطلاعات در اوین منتقل شدند." کسری نوری، از مدیران وبسایت مجنوبان نور و دانشجوی حقوق بشر دانشگاه تهران است و سه تن دیگر نیز از فعالان دانشجویی هستند. وبسایت مجنوبان نور از علت بازداشت آنها اعلام بی‌اطلاعی کرده است. در سال‌های گذشته و به خصوص پس از اعتراض‌ها به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، در کنار صدها تن از فعالان سیاسی، دانشجویی، مدنی، حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، وکلا، بهائیان و نوکیشان مسیحی، درویش گنابادی نیز بازداشت و به زندان محکوم شده‌اند. تعدادی از درویش گنابادی که در سال‌های گذشته بازداشت شده‌اند همچنان در زندان به سر می‌برند و تعدادی از آنان در سال‌های گذشته دست به اعتصاب غذا زده‌اند.»

اما آیا با عقل و منطق جور در می‌آید که تنها به دلیل رفتن برای عیادت از یک بیمار افرادی بازداشت و منتقل زندان شوند؟!

یعنی این افراد و سرکرده‌های فرقه درویش گنابادی، هیچ گناه و جرمی مرتکب نشده‌اند؟!

بررسی اسناد و تاریخچه ارتباطات این فرقه با پهلوی و پس از آن با انگلیس و در سال‌های اخیر نوع نگاه آن‌ها به جریان فتنه سال 1388 و ...، کاملاً نشان می‌دهد که این معلوم‌نمایی‌ها نمی‌تواند چهره یک بی‌گناه را به این مجرمین و خائنین به نظام اسلامی و دین مبین اسلام هدیه دهد.

تمامی اسناد و تصاویر منتشر شده از سال‌های قبل انقلاب، گویای رابطه صمیمانه و به عبارتی نوکرانه رؤس این فرقه با دربار شاه پهلوی است؛ تصاویر بسیاری از تعظیم سران یا همان قطب‌های عالی مقام درویش گنابادی در برابر شاه پهلوی موجود است که این رابطه و همکاری را غیر قابل انکار می‌کند و این همزمان با کشتار مردم انقلابی ایران توسط خاندان پهلوی است.

پس از انقلاب، جبهه‌گیری‌های سیاسی این گروه با نظام جمهوری اسلامی کاملاً آشکار بوده است؛ حضور و اظهارات ضد نظام آن‌ها در شبکه‌های مختلف ضد ایرانی غربی از جمله بی‌بی‌سی فارسی به‌طور مستمر در جریان بوده و هست.

در سال 1388 و در جریان فتنه پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری کشورمان نیز، حضور آشکار و علنی آن‌ها در صفوف فتنه و تلاش‌هایشان برای همراهی با جریان‌های بر انداز کاملاً عیان و غیر قابل انکار است.

اما این فقط یک سویه ماجراست و سمت دیگر، فساد اخلاقی و دینی این جریان است که پیروان خود را به دلیل پیروی کورکورانه، به سمت بحرانی اعتقادی سوق می‌دهد.

جریان اهانت قطف یا همان سرکرده فعلی در اوبیش گنابادی به حضرت زهرا (س) و انکار "شهادت" این بانوی بزرگ اسلام و افشای تجاوزات اخلاقی و جنی نماینده تعیین شده از سمت این سرکرده با نام "شیخ گراشی" به یکی از مریدان بی بصیرت خود و ... دست بوسی ها و پا بوسی های محافل خصوصی و ... کاملاً نشان دهنده همین فساد ریشه‌ای و عمیق است؛ و همه این‌ها در حالیست که آن چه بیان شد تنها بخشی اندک از واقعیت‌های پشت پرده "در اوبیش گنابادی" است.

سکوت و دروغ در برابر حماسه‌های ملیونی ایرانیان

تا اینجا به واکنش‌ها و گزارش‌هایی پرداختیم که رادیو فردا در مواجهه با آشوب‌های اخیر در برخی از شهرهای کشورمان منتشر کرده و بازتاب داده بود؛ اما خاتمه دهنده این آشوب‌ها با حماسه‌ای همراه بود که طبق معمول سکوت و خفگی مطلق این رسانه ضد ایرانی را به دنبال داشت.

مردم ایران شاید به وضعیت اداری، سیاسی، اقتصادی و ... کشورشان اعتراض داشته باشند، اما مسیر بیان درست اعتراضات خود را هم بلدند و به خوبی می‌دانند که هرگز با آشوب، قتل، جنایت، تخریب اموال مردم و ... نمی‌توان به هدف حقیقی رسید.

همین بصیرت باعث شد تا با مشاهده آشوب‌های خیابانی، مردم صفوف خود را از اغتشاش گران جدا کنند و اجازه ندهند صدای برحقشان در آتش خشونت آن‌ها بسوزد.

خاتمه این آشوب‌ها همانند فتنه سال 88 که در 9 دی و با حضور حماسی و خودجوش مردمی رقم خورد، این بار نیز با اجتماعات و حضور ملیون‌ها ایرانی عاشق وطن و ولایت در نقطه نقطه کشورمان شکل گرفت و این حضور حماسی به دنیا نشان داد که آشوب گران مورد حمایت آن‌ها نه تنها از مردم ایران نیستند، بلکه دشمنان این مردم هستند که در مقابلشان قرار گرفته‌اند.

سکوت رادیو فردا در مقابل این حماسه آفرینی و تلاش‌های ناکامش برای این که جمعیت ملیونی این تجمعات را به چند هزار نفر کاهش دهد، تنها طرحی شکست خورده برای فرار از این شکست بزرگ دیگر اربابانش در مقابل بصیرت و ولایتمداری ملت ایران است.

به امید روزی که همانند ایران اسلامی، تمام جهان از شر آشوب‌ها و سیاست‌های شیطانی اربابان رادیو فردا خلاص شوند.

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و هفتاد و نهمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در دومین هفته از دی ماه 1396 (08 الی 16 دی ماه 1396) پرداخته است.